

آثار

- دین‌شناسی تطبیقی
- گسترش نهضت حسینی
- گذرگاه‌های الحاد
- انسان و خودسازی
- گفتارهای تربیتی
- سیری در عقاید و اخلاق اسلامی



خاطره

غیرقابل اصلاح!

در سال ۱۳۵۰، آیت‌الله بهشتی و دکتر غفوری که در وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش) مشغول به کار بودند، از محمدجواد باهنر دعوت کردند برای برنامه‌ریزی و تألیف درس‌تعلیمات دینی با آنان همکاری کند. محمدجواد بعد از یک دوره مطالعه دقیق و نیازسنجی درباره مخاطبان کتاب درسی، کار تألیف کتاب‌های دینی را از پایه اول ابتدایی تا پایان دوره دبیرستان و نیز دانش‌سرا، با همکاری سیدرضا برقعی و علی گلزاده غفوری پذیرفت.

او می‌خواست مفهوم واقعی دین را در این کتاب‌ها بیاورد و به این خاطر باید به مسائل اجتماعی مثل ظلم، عدالت، جهاد، شهادت، اموال عمومی و... می‌پرداخت. با صبوری و تلاش فراوان او ساعت درس دینی از دو ساعت به سه ساعت در هفته افزایش یافت.

در همین زمان، او و همکارانش با هدف بررسی مشکلات کتاب‌های دینی، کنگره معلمان دینی سراسر کشور را برگزار کردند. ۱۵۰۰ فرهنگی از سراسر ایران در باشگاه معلمان جمع شدند. یک هفته برگزاری کارگاه آموزشی، کلاس، سخنرانی، پخش جزوه و کتاب، معلمان را بیشتر از گذشته با تفکر اصلی آن کتاب‌ها آشنا کرد. این بزرگان توانستند کنگره بزرگ معلمان دینی را برای دومین بار هم با برنامه‌ریزی بهتر برگزار کنند و به این ترتیب رابطه خود را با معلمان دینی در سراسر ایران گسترش دهند.

چند سال بعد، رژیم پهلوی یک گروه سه نفری را مأمور بازخوانی کتاب‌های دینی کرد؛ کتاب‌هایی که چند سال تدریس شده بودند، حالا به دلایل سیاسی، غیرقابل استفاده تشخیص داده شده بودند. این سه نفر با سه رنگ متفاوت، دور ۶۰ درصد از مطالب کتاب را خط کشیدند، ضربدر زدند و رویشان نوشتند: «غیرقابل اصلاح!» بنابراین، وزارت فرهنگ ناچار شد نویسندگان دیگری پیدا کند. اما با اعلام مخالفت معلمان دینی، فشار به وزارت فرهنگ بیشتر شد، کار تألیف کتاب‌های جدید به تأخیر افتاد و با ناآرام شدن کشور و آشکار شدن اولین نشانه‌های انقلاب، دیگر مجالی برای تغییر کتاب‌های دینی پیش نیامد!



کرامت و ارجمندی

منظور از کرامت و ارجمندی انسان این است که آدمی در جریان خودسازی و حرکت نفسانی خود، برخی از کارها را با کرامت و ارجمندی و مقام انسانی خویش ناسازگار می‌یابد؛ کارهایی که او را پست و زبون می‌کند و بی‌مقدار و بی‌ارح جلوه می‌دهد. در برابر، کارهای دیگری را مایه بزرگواری خویش می‌یابد؛

کارهایی که به او شخصیت روحی می‌دهد و بر ارج و اعتبارش می‌افزاید.

جرقه خودآگاهی

اسلام نمی‌گوید صرفاً تلقین کنید و یا چشم و گوش بسته کسی را به کار خیری وادارید. می‌گوید: کاری کنید که خودآگاهی انسان جرقه زند، از درون بجوشد و تصمیم بگیرد. کاری کنید که زنگارها زوده شود، جهل و زبونی باقی نماند، سرمایه درونی بشکفتد و به «خود» انسان، استقلال و شخصیتی داده شود که بتواند خوب فکر کند و خوب تصمیم بگیرد.

۱۳۶۰	۱۳۵۹	۱۳۵۷	۱۳۵۰	۱۳۴۴
نخست‌وزیری ایران شهادت (۸ شهریور)	وزیر آموزش و پرورش در دولت شهید رجایی	عضویت در شورای انقلاب پس از پیروزی انقلاب اسلامی و مأمور بازگشایی مدارس	کار در آموزش و پرورش	ازدواج

منابع

۱. فولادوند، مرجان. شهید باهنر. انتشارات مدرسه. تهران.
۲. آثار شهید باهنر (گفتارهای تربیتی، اسلام برای نوجوانان، انسان و خودسازی و...). دفتر نشر فرهنگ اسلامی. تهران.